

زرادخانه سینما

منبع: سایت Islamonline
مترجم: ع.ف. اشتیانی

وحشتناکی که از ما مسلمانان در دنیا ساخته‌اند نیازی به ارتش و سلاح نداریم. بلکه باید دید در این دنیای مدرن، چگونه می‌توان سلاح برتر و مؤثرتر یعنی رسانه‌ها را به خدمت گرفت.

رسانه‌های صهیونیستی توانسته‌اند مسیحیان و یهودیان را علیه اسلام بسیج کنند. بنابراین، اعراب باید پیامی هدفمند و روشنگر به دنیال ارسال کنند و خصوصا به خاطر داشته باشند که آمریکاییان لزوما از ملیت خاصی طرفداری نمی‌کنند اما اطلاعاتشان در مورد سایر اقوام و ملل را از رسانه‌هایشان گرفته و بدان واکنش نشان می‌دهند.

یوسف شاهین و «سرنوشت»

مصطفی عقاد معتقد است مسلمانان وظیفه خود را به‌درستی انجام نمی‌دهند. او به زبانی صریح و ساده می‌گوید: «باید دنیا را متقاعد کنیم که بر خلاف ادعای رسانه‌های صهیونیستی، ما تروریست نیستیم.» او به این واقعیت اشاره می‌کند در جهان عرب یا روشن‌فکرانی روبه‌رو هستیم که گاهی عمدی و گاهی از روی غفلت، در حق خود و جهان عرب ظلم می‌کنند. او از کارگردان مصری، یوسف شاهین، نام می‌برد که در فیلم «سرنوشت» به اعراب توهین کرد.

از او خواستیم در این باره توضیح بیشتری بدهد. گفت که یوسف شاهین را در جشنواره کان و در مراسم دریافت جایزه‌اش دیده است. فرانسویان پنج دقیقه برای او کف می‌زدند؛ در تاریخ جشنواره فیلم کان چنین چیزی سابقه نداشته است. عقاد کنجکاو می‌شود فیلم یوسف شاهین را ببیند به این امید که یک شاهکار هنری است. اما بعد از دیدنش بی‌برد که آن همه سوت و کف نه به خاطر کیفیت هنری فیلم بلکه به خاطر صحنه‌ای بوده که در آن، کتابهای ابن رشد در آتش می‌سوزند. علمای مسلمان قبلا توانسته بودند فیلم «مهاجر» او را تحریم کنند و او با برجسته

مصطفی عقاد پروژه‌های متعددی برای آینده دارد اما دستش از منابع مالی کوتاه است. به گفته او دنیای امروز عرب نیاز مبرمی به هنر هفتم دارد.

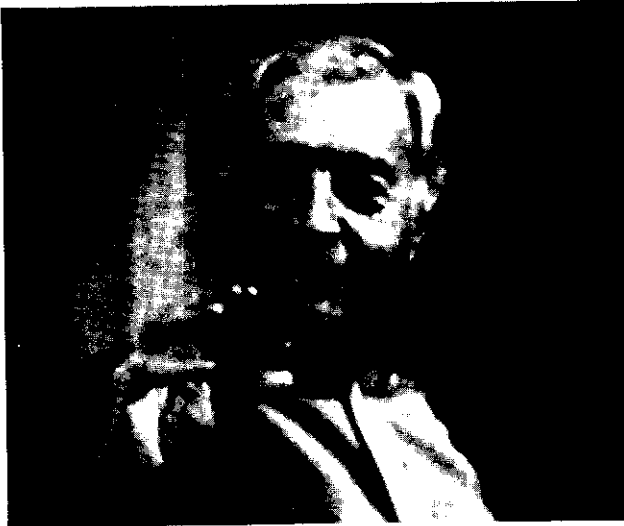
از همه مهم‌تر اینکه چنین فیلمهایی تصویر مخدوشی را که غربیها از مسلمانان عرب دارند تصحیح می‌کند. پروژه‌های او آماده تولید هستند اما حامیان مالی و سرمایه‌گذاران اعلام آمادگی نکرده‌اند. مصطفی عقاد فعلا به تولید فیلمهای پرتملیق و ترسناک ادامه می‌دهد و منتظر تأمین بودجه برای طرحهای سینمایی بزرگ‌ترش است. از او پرسیدم چرا متعلانه دست روی دست گذاشته است.

او پیش از پاسخ به سؤال من، با همان آرامش همیشگی‌اش در سکوتی اندوهبار فرو رفته و بعد چنین می‌گوید: «من فقط یک نفرم، دست‌تنها و بی‌حامی و صنعت فیلمسازی مستلزم وجود بنیادها و شرکتهای غول‌آساست. من دست روی دست نگذاشته‌ام و پیگیرانه در جست‌وجوی سرمایه‌گذار هستم. اگر کسی پیدا نشود، نباید نوک پیکان اتهامات را اول به سوی من نشانه روید چون مقامات کشورهای عربی از درک اهمیت اجرای پروژه‌های من عاجزند و به قولهایی که می‌دهند وفا نمی‌کنند.

جنگ رسانه‌ای

«ما میلیاردها دلار صرف خرید تانک و جنگنده می‌کنیم اما هرگز گلوله‌ای به سمت دشمنانمان نمی‌اندازیم. تنها ده درصد از بودجه‌های هنگفت خریدهای تسلیحاتی کافی است تا معجزه‌های صورت گیرد. جنگ امروز ما جنگ رسانه‌ای است. متأسفانه، ما در میان خودمان که حرف می‌زنیم عافیت‌طلب شده‌ایم اما هرگز نمی‌کوشیم اندیشه‌ها و چهره حقیقی‌مان را به دنیا نشان دهیم. برای تغییر چهره

کشورهای عربی
از درک اهمیت
اجرای پروژه‌های من
عاجزند و به قولهایی
که می‌دهند وفا
نمی‌کنند.



عملیات هیرون

نام فیلم «عملیات هیرون» را ذکر می‌کنم که معلوم می‌شود اصلاً نشنیده است. به او می‌گویم خبرگزاری رویترز در سپتامبر ۲۰۰۲ تیرتی داشت مبنی بر اینکه عقاد فیلمی دربارهٔ دخت اسرائیل در انتخاب رئیس‌جمهور آمریکا را کارگردانی می‌کند. در خبر آمده بود که این فیلمساز مشهور بین‌المللی با پیشنهاد شرکت تهیه و توزیع فیلمهای سینمایی مصر برای تهیه فیلمی بر اساس رمان «عملیات هیرون» نوشتهٔ مأمور سابق سیا، موافقت کرده است. رویترز منبع این خبر را دکتر صلاح حَسَبُ النبی، مدیرعامل شرکت تهیه و توزیع فیلمهای مصری اعلام کرده است. از قرار معلوم می‌خواستند نام فیلم با نام رمان یکی باشد.

بسیاری از روزنامه‌های عربی خبر مذکور را منتشر کرده برخی حتی افزودند که شروع پروژه بعد از تصمیم شرکت برای به تعویق انداختن پروژهٔ یک فیلم بین‌المللی مصری دربارهٔ تمدن عربی در اندس به خاطر هزینه‌های سنگینش انجام شد.

از آن گذشته، «صلاح حَسَبُ النبی» اعلام کرد که با مصطفی عقاد کارگردان پرآوازهٔ بین‌المللی برای تولید فیلم عملیات هیرون برای مخاطبان جهانی در تماس بوده است. عملیات هیرون، رمانی به قلم اریک جُردن، مأمور سابق سیا، در خاورمیانه و محوریت آن حول موضوع نفوذ سازمان جاسوسی اسرائیل، موساد، در انتخاب رئیس‌جمهورهای آمریکا و نسبت دادن ترورهای سیاسی خود به عربها می‌چرخد. عقاد از این شایعه به‌شدت تعجب کرده بود: «من اصلاً یاد ندارم کسی چنین پیشنهادی به من داده باشد.»

کشیش کابوچی

بعد از کمی تردید به طرح مسأله فیلم «کشیش کابوچی» می‌پردازم. اما این مرتبه، عقاد به جریان پروژه آشناست. او به من گفت که «ممدوح اللیثی» رئیس بخش سینمایی شرکت تولیدات رسانه‌ای مصر، عملاً با او تماس گرفت و ایده فیلم را به او عرضه کرد. عقاد از پروژه استقبال کرد زیرا چارچوب فیلم بر اساس نمایش واقعات قضیهٔ فلسطین به دنیا بنا شده بود. در این قصه، از زاویه جدیدی به مصیبت فلسطینیان نزدیک می‌شوند: یعنی از زاویه متازعهٔ صهیونیستها با عربهای مسلمان یا مسیحی و نه از زاویه صهیونیستها و مسلمانان. این دیدگاه درک غرب از مسأله فلسطین را تحت تأثیر قرار می‌داد.

از نظر عقاد، این فیلم توانست با ارائه تصویر مصائب فلسطینیان از دریچه نگاه یک روحانی اروپایی که حق مردم فلسطین برای زندگی و دفاع از خویش را به رسمیت

کردن این صحنه می‌خواست آنها را تنبیه کند. چرا او این صحنه خاص را بزرگ کرد؟ آیا در گذشته به قدر کافی آثار مخدوش‌کننده چهرهٔ اسلام و اعراب وجود نداشت؟ ما گرزک به دست دیگران می‌دهیم تا به ارائه چهرهٔ زشت از ما ادامه دهند.

هر سال، یک فیلم پرفروش اسلامی!

پس هستهٔ اصلی مسأله، تصویر تیره و تار ما در نگاه دنیاست. از عقاد می‌پرسم برای تصحیح این تصویر چه باید کرد. می‌گوید قطعاً بضاعت داریم مراکز سینمایی درجه یک در سطح بین‌المللی تأسیس کنیم. به صراحت می‌گویم مسلمانان با مهمات، زرادخانه‌ها، محکومیتها و تکزبیهایشان چیزی عایدشان نمی‌شود. راه حل فقط و فقط در «رسانه‌هاست».

عقاد تصریح می‌کند که کانالهای رسانه‌ای عظیم در آمریکا مانند «سی‌ان‌ان»، «فاکس» و «سی‌بی‌اس» چیزی بیش از شرکتهای سهامی نیستند و ضروری است به روش و نحوهٔ رخنه در آنها بیندیشیم. «مشکل جهان عرب مشکل اطلاع‌رسانی است.»

پروژه‌های دروغین

در لابی هتل جدید قاهره، در فضایی که صدای بلند موسیقی کلاسیک مزاحم ضبط صدای من و مصاحبه‌شونده‌ام بود و با مصطفی عقاد و پروژه‌های ناکامی که به دروغ به او منتسب کرده بودند به صحبت می‌نشینیم. مردم اخبار مربوط به پروژه‌های فیلمسازی را در روزنامه‌ها می‌خوانند، درباره صحت و سقم آنها پرس‌وجو می‌کنند و بعد می‌فهمند که خبر دروغ بوده و صرفاً برای درست کردن وجههٔ کارگردان ناکام آن پروژه درج شده است. عقاد از این خبرها خوشش می‌آید چون معتقد است آن دروغگوها به نام و شأن و موقعیت او واقف‌اند.

عقاد به من گفت در کنفرانسها و جشنواره‌ها هنرنویسه‌های زن کنار او می‌ایستند و از او خواهش می‌کنند با آنها عکس بگیرد. یکی دو روز بعد همان عکسها را در روزنامه یا مجله‌ای با زیرنویسی می‌بیند که نوشته: عقاد فلان یا بهمان خانم هنرنویسه را برای بازی در نقش اول زن در فلان فیلم جدیدش انتخاب کرده!

آیا مردم از اسم او برای بالا کشیدن خود استفاده می‌کنند؟

عقاد با خنده می‌گوید: «این جور نیست. موضوع ساده است؛ تا وقتی که از نام من به نحوی ناپسند استفاده نکنند من بدم نمی‌آید.»

ما میلیاردها دلار صرف خرید تانک و جنگنده می‌کنیم اما هرگز گلوله‌ای به سمت دشمنانمان نمی‌اندازیم. تنها ده درصد از بودجه‌های هنگفت خریدهای تسلیحاتی کافی است تا معجزه‌ای صورت گیرد. جنگ امروز ما جنگ رسانه‌ای است

رسانه‌های صهیونیستی توانسته‌اند مسیحیان و یهودیان را علیه اسلام بسیج کنند. بنابراین، اعراب باید پیامی هدفمند و روشنگر به دنبال ارسال کنند

به صراحت می‌گویم مسلمانان با مهمات، زرادخانه‌ها، محکومیتها و تکزبیهایشان چیزی عایدشان نمی‌شود. راه حل فقط و فقط در «رسانه‌هاست»



این واقعه باعث شد تمام اعراب ساکن در آمریکا از نژاد خود و تعلق داشتن به جهان عربی که مرد قدرتمندی همچون عبدالناصر را در خود جای داده بود احساس افتخار کنند.»

عقاد تولید یک فیلم مستند چهار ساعته درباره زندگی عبدالناصر به زبان انگلیسی را که از زبان محمد حسنین هیکل روایت می‌شود یادآوری می‌کند. این فیلم در آمریکا اگران نشد چون ماجرای انفجار سینمای لاون در قاهره به دست یهودیان، معروف به «رسوایی لاون» و غرق کشتی آمریکایی «لیبرتی» در مدیترانه توسط اسرائیلیها را نمایش می‌داد.

عقاد نسخه عربی هفت ساعته‌ای از همان فیلم تهیه کرد اما حتی یک شبکه عربی به دلایلی که او نمی‌داند حاضر نشد آن را پخش کند.

با توجه به احتمال ساخت مستندهایی درباره سایر رهبران غربی، عقاد با خنده می‌گوید: «از خدا می‌خواهم فرصتی به من بدهد تا زندگی آنها را همان گونه که در واقعیت بوده‌اند و هستند نمایش دهم، و فکر می‌کنم هیچ کدامشان از این از خوششان نیاید.»

داسقان محمد رسول الله (ص)

«کارگردان در اینجا با کارگردان در جای دیگر فرقی ندارد همه مثل هم هستند. خلاقیت، خلاقیت است. خلاقیت در چارچوب سینمایی به اصطلاح «بین‌المللی» محصور نشده؛ خلاقیت به نوبه خود یک زبان بین‌المللی است.»

عقاد این حرفها را از سر توضیح نمی‌گفت بلکه اعتقاد راسخ اوست که سینمای غربی و بین‌المللی از نظر ظرفیت خلاقیت‌های فردی به هیچ وجه بر سینمای جهان غرب برتری ندارد. آنها صرفاً از نظر تجهیزات و پشتیبانیهای اقتصادی و ساز و کارهای فیلمسازی، پیشرفته هستند. او به عبدالله غیت، بازیگری مصری افاکننده نقش حمزه (س) در فیلم محمد رسول الله (ص) اشاره کرده و معتقد است هنرنمایی او به مراتب عالی‌تر از آنتونی کوئین در نسخه انگلیسی آن بود.

فیلم محمد رسول الله (ص) به رغم موفقیت درخشان بین‌المللی‌اش در مصر و سوریه ممنوع شده‌اند. اما، من هر چه پرونده سانسور فیلم را ورق زدم بیشتر تعجب می‌کردم که نه الا زهر و نه هیچ جای دیگر اعتراضی به فیلم وارد نکرده بودند و حتی جمعی از علمای الا زهر فیلمنامه را تأیید کرده بودند.

عقاد نیز این موضوع را تأیید می‌کند. او می‌گوید: «زمانی که شیخ محمد متولی الشراوی فیلم را تماشا می‌کرد من کنار او بودم، من برای نوشتن فیلمنامه محمد رسول الله

می‌شناسد مخاطب غربی را قویاً متحول کند. رژیم سفاک صهیونیستی را به خاطر حملاتش علیه مردمی بی‌سلاح محکوم می‌کرد. عقاد به من گفت که بارها به حنان اشراوی توصیه کرده بود که هنگام سخنرانی در مجامع بین‌المللی حتماً صلیب به گردن بیندازد تا تأکید شود که مساله فلسطین تنها یک درگیری صهیونیستی با مسلمانان نیست.

کشیش کابوچی سالیان درازی در سرزمینهای اشغالی فلسطین زندگی کرده و هیچ گونه فعالیت سیاسی نداشته است تا اینکه روزی در سالهای دهه ۱۹۷۰ کودکی زخمی به نام علی در حین فرار از دست نیروهای اسرائیلی به صومعه او پناه می‌آورد.

در آن زمان در روزنامه‌ها چاپ شده بود که عمر شریف نقش کشیش کابوچی را بازی می‌کند؛ اما بعد چه شد؟ عقاد پاسخ می‌دهد: «به عقیده من چنین فیلمی با استفاده از ستارگان شناخته‌شده انگلیسی‌زبان به بهترین نحوی مخاطب غربی را جذب می‌کرد. در مورد استفاده از عمر شریف هم ایرادی نداشت چون او بازیگر توانایی است. اگر از بازیگران بومی استفاده می‌کردیم نتیجه مطلوبی عایدمان نمی‌شد، چون تأییدش فقط محدود به جهان عرب می‌شد. تنها در صورت هنرنمایی بازیگران غربی به نتیجه دلخواه می‌رسیدیم.»

ممدوح الیثی از تأمین بودجه لازم برای پروژه مورد نظر عقاد اظهار ناتوانی کرد و بنابراین مذاکرات خاتمه یافت.

عبدالناصر

علاوه بر «عملیات هیرون» و «کشیش کابوچی»، چند ده یا حتی چند صد پروژه دیگر در روزنامه‌ها به عقاد چسبانده شد. برخی از آنها راجع به زندگی و سرگذشت رئیس‌جمهورها یا پادشاهان قبلی و فعلی عرب بودند. از عقاد دربارهٔ صحت این گزارشها پرسیدیم. او پاسخ داد که در تاریخ دوران معاصر غیر از عبدالناصر، رهبر افتخار آفرین دیگری در جهان عرب که مانند او به تاریخ عزت و افتخار بخشیده باشد سراغ ندارد. عقاد پس از چند ثانیه سکوت افزود: «هرگز سخنرانی‌اش را دربارهٔ کشتی مصری کلتویاترا که در دوران جنگ فرسایشی به نیویورک رسیده بود و کارگران بندری آمریکا تحت فشار صهیونیستها از تخلیه بار آن خودداری می‌کردند را فراموش نمی‌کنم. واکنش عبدالناصر سخنرانی‌ای خطاب به کارگران بنادر عربی از اقیانوس اطلس تا خلیج فارس بود که از آنها خواست از تخلیه بار کشتیهای آمریکایی در بنادر عربی خودداری ورزند.

کارگران عرب از خواسته عبدالناصر پیروی کردند تا اینکه ارتش آمریکا بلافاصله کشتی کلتویاترا را تخلیه کرد.

عقاد به من گفت که بارها به حنان اشراوی توصیه کرده بود که هنگام سخنرانی در مجامع بین‌المللی حتماً صلیب به گردن بیندازد تا تأکید شود که مساله فلسطین تنها یک درگیری صهیونیستی با مسلمانان نیست.

علاوه بر «عملیات هیرون» و «کشیش کابوچی»، چند صد پروژه دیگر در روزنامه‌ها به عقاد چسبانده شد. برخی از آنها راجع به زندگی و سرگذشت رئیس‌جمهورها یا پادشاهان قبلی و فعلی عرب بودند.

موفقیت یک فیلم در گرو مخاطب و سود حاصل از آن است. این لزوماً مستلزم تنزل سطح ارزشی کار نیست، اما به هر حال مجبوریم به سطح مخاطب هر چقدر هم پایین باشد نزدیک شویم و سپس با ظرافت بکوشیم سلیقه‌اش را ارتقاء دهیم. این امر با غرور و تفرعن، پنهان کاری یا کاربرد زبان مطلق سینمایی دست‌یافتنی نیست.

جایزه اسکار، گان، نشانها و القاب به معنای موفقیت یک فیلم در سالنهای نمایش نیست. اگر شاهکاری سینمایی بسازید اما مخاطب را جذب نکنید زحماتان بر باد رفته است. ما که در عالم سینما اهل فن هستیم خودمان را رابطه اندیشه، هنر و مخاطب می‌دانیم. اگر بتوانیم اندیشه و هنر را به کار بگیریم و واکنشی در مخاطب ایجاد کنیم موفق شده‌ایم: مردم را بگریانیم، بخندانیم، برنجانیم، و بترسانیم.

از آن گذشته، دستگاههای سرگرم‌کننده خانگی بر سینما و تئاتر تأثیر منفی گذاشته‌اند؛ مردم در خانه مقابل صفحه شیشه‌ای بزرگ می‌نشینند، سیگار می‌کشند، می‌خورند و می‌نوشند از طرفی اکثر سینماهای آمریکا و دیگر نقاط دنیا را جوانان تشکیل می‌دهند؛ هشتاد درصد کل مخاطبان علائق خود را بکس، وحشت و عشق - به صنعت سینما تحمیل می‌کنند»

(ص)، هری کیگاف را یک سال از هالیوود به هتل هیلتون نیل قاهره آوردم و از او خواستم با همکاری عبدالحمید جَد السَّحَر، توفیق الحیکم، احمد جلالی، و دکتر عبدالمنعم النمر و دکتر البیصار از الازهر فیلمنامه را نویسند. بنابراین ممنوعیت پخش این فیلم در مصر و سوریه برایم معمای حل‌نشده‌ای است. بیست و هشت سال پیش، از این ممنوعیت به دادگاه شکایت کردم که هنوز در دست بررسی است!! عقدا می‌افزاید: «آنچه که این معما را پیچیده‌تر می‌کند چندین شبکه عربی فیلم را بدون کسب اجازه از من یا اطلاع از رفع ممنوعیت پخش کردند»

اصل ماجرا سودجویی است

شهرت عقدا علاوه بر ساخت فیلمهای اسلامی به این دلیل است که فیلمهای پر فروش نیز برای هالیوود ساخته است. در اکثر این فیلمها نام عقدا ذکر نشده، مانند مجموعه هالوین که در هشت قسمت دنباله‌دار ساخته شده‌اند. عقدا در اندیشه به مخاطبین گسترده‌ای که چنین فیلمهایی را خوب جذب می‌کنند یادآور می‌شود که کارگردان تهیه‌کننده در هالیوود پیش از ساخت فیلم باید دو سؤال را به خود پاسخ دهد:

مخاطبش کیست و می‌خواهد چه بگوید؟

او می‌افزاید: «سینما در وهله اول سرگرم‌کننده است. اما کارگردان خوب از عنصر یا ابزار سرگرمی برای انتقال اندیشه‌هایش بهره می‌گیرد و ذوق و زیرکی هنری نویسنده و فیلمنامه‌نویس همین جا آشکار می‌شود. جوهره هر اثر هنری ایجاد یک مجرای ارتباطی با مخاطب و کسب سود کافی برای ساخت فیلم بعدی است. متأسفانه، برخی بر این باورند که موفقیت و سودجویی مایه ننگ و یک جنایت است.»

عقدا بر این باور است که

سینمای غربی و بین‌المللی از نظر ظرفیت خلاقیت‌های فردی به هیچ وجه بر سینمای جهان عرب برتری ندارد. آنها صرفاً از نظر تجهیزات و پشتیبانیهای اقتصادی و ساز و کارهای فیلمسازی، پیشرفته هستند.

حال مجبوریم به سطح مخاطب هر چقدر هم پایین باشد نزدیک شویم و سپس با ظرافت بکوشیم سلیقه‌اش را ارتقاء دهیم. این امر با غرور و تفرعن، پنهان کاری یا کاربرد زبان مطلق سینمایی دست‌یافتنی نیست.

